

بررسی فقهی و حقوقی عنصر مصلحت در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱

رحمت‌اله سعیدی گراغانی *

محمد رضا کیخا **

چکیده

خانواده به عنوان واحدی از اجتماع در جریان تحولات زمانه قرار دارد، بنابراین لازم است حقوق خانواده نیز در مسیر تحولات اجتماعی، متحول گردد، این امر می‌طلبد که برخی از احکام آن با رویکردی به عنصر مصلحت که از فروع حکم عقل می‌باشد، تغییر یابد. روابط افراد خانواده خصوصاً زوجین از جمله موضوعاتی است که تحت تأثیر تحولات زمان قرار می‌گیرد و طبیعی است که با تحول موضوع انتظار می‌رود احکام و مقررات مربوطه نیز تغییر یابد. قانون حمایت خانواده دربرگیرنده تفکری جامع درباره موضوعات خانواده بوده و بدون شک تحولات جهانی و اوضاع و احوال ایران، آن را کمابیش تحت تأثیر قرار داده است. با این تفاسیر جایگاه عنصر مصلحت در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در موارد مختلف مربوط به حقوق خانواده، قابل بررسی است. به موجب این تحقیق که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته، این نتیجه قابل بیان است که برخی موارد این قانون قابل نقد و برخی نیز از نکات متمایز آن می‌باشد. پیش‌بینی مراکز مشاوره از جمله موضوعات مورد انتقاد است، زیرا اگرچه هدف این مراکز ایجاد صلح و سازش است ولی عملاً باعث اتلاف وقت و ایجاد فشارهای عصبی در زوجین، خصوصاً زوجه می‌گردد. در کنار موارد مورد انتقاد، پیش‌بینی اتخاذ تصمیم فوری از جمله حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقه زن که تا حدودی در این موارد آسیب‌پذیرتر هستند، از نکات متمایز و مثبت قانون حمایت از خانواده است.

کلید واژه‌ها: عنصر مصلحت، قانون حمایت خانواده، حقوق خانواده، سازگاری قانون با محیط.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۵/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۷

* دانشجوی دکتری فقه و حقوق، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

Rahmatsaeedi53@gmail.com

** استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسؤول)

۱- مقدمه

در عصر حاضر پیشرفت مادی بشر دیدگاه‌های جدیدی را برای ما به ارمغان آورده و توسعه‌ی جوامع انسانی خود لوازم و عوارضی دارد که باید در ترازوی فرهنگ صحیح قرار گیرد، در واقع در نظام زندگی بشر تحولات بنیادی روی داده است، هم در روابط انسان با طبیعت و هم در مناسبات اجتماعی انسان‌ها با یکدیگر تحولاتی ایجاد شده است.

دین مبین اسلام، به عنوان راهنما در زندگی و حیات بشری معرفی شده و دو عنصر جاودانگی و خاتمیت دین که از ویژگی‌های آن شمرده می‌شود، به ثبات و نا متغیر بودن آن حکم می‌کند و از طرف دیگر لازمه‌ی حیات دنیوی آدمیان تغییر و سیلان می‌باشد.

شاید این پرسش مطرح شود که چگونه می‌توان جامعه متغیر و در دست تحول را با امری ثابت به نام دین اداره کرد؟ چگونه می‌توان این متغیر (زندگی بشر) را به آن ثابت (دین) مرتبط نمود؟! در پاسخ می‌توان گفت حقوق اسلام می‌تواند با جامعیتی که از فقه پویای امامیه کسب کرده است به مدد فقیهان آگاه به اوضاع و احوال زمانه، همپای تحولات اجتماع با دگرذیسی موضوعات و پیدایش موارد نوظهور در جوامع مسلمان و غیرمسلمان به عنوان معرفتی پویا، جوابگوی تحولات بنیادی در زیرساخت‌های جوامع مسلمان باشد و با اوضاع و احوال زمانه هماهنگ شود، در غیر این صورت جاودانگی شریعت مقدس اسلام زیر سؤال خواهد رفت.

یکی از اساسی‌ترین عناصر مبانی استنباط احکام اسلام که جوابگوی تحولات بنیادی در عرصه‌ی زیر ساخت‌های فکری و عملی جوامع مسلمان در عصر حاضر می‌باشد، اصل تابعیت احکام اسلامی از مصالح و مفاسد واقعی است. به این معنا که اگر در اسلام چیزی واجب شده براساس وجود مصلحت، ملزمه‌ای است که در آن امر وجود دارد و اگر چیزی تحریم گردیده، براساس مفاسد است که لازمه‌ی آن شیء است. از اینجا جمله‌ی معروف «احکام الله تابع مصالح و مفاسد ملزمه است» در لسان فقها و حقوقدانان پدیدار گشته و پاسخگوی بسیاری از موضوعات نوظهور می‌باشد.

خانواده به عنوان واحدی از اجتماع در جریان تحولات زمانه قرار دارد، بنابراین لازم است حقوق خانواده نیز در مسیر تحولات اجتماعی، متحول گردد. این امر می‌طلبد که برخی از احکام آن با رویکرد به دو عنصر مصلحت و مقتضیات زمان که از فروعات حکم عقل می‌باشد، تغییر یابد.

روابط افراد خانواده خصوصاً زوجین از جمله موضوعاتی است که تحت تأثیر تحولات زمان قرار می‌گیرد و طبیعی است که با تحول موضوع انتظار می‌رود احکام و مقررات مربوطه نیز تغییر یابد. از سوی دیگر تهاجم بسیاری از جریان‌های مدعیه دفاع حقوق زن با رویکرد به تضعیف احکام دین مبین اسلام و با ایجاد سؤال و شبهه سعی بر اثبات عدم کارایی احکام اسلام در پاسخگویی به نیازهای این عصر را دارند. در حالی که شریعت و فقه پویای امامیه که از چشمه ی جوشان قرآن و سنت سرچشمه می‌گیرند با مدد نیروی عقل همواره پاسخگوی نیازهای بشر در سیر تحول جوامع می‌باشد.

قانون حمایت خانواده دربرگیرنده تفکری جامع درباره موضوعات خانواده به طور مشخص است و بدون شک تحولات جهانی و نوظهور و اوضاع و احوال آن را کمابیش تحت تأثیر قرار داده است. کاملاً طبیعی است که در این قانون بازتاب مناسبات و متغیر تحولات جهانی و اندیشه‌های پس مدرن در آن مشاهده کنیم. وجود دو قسم قانون شرعی و عرفی که قسمتی از داده‌های تاریخی است موضوع بخش زیادی از تفکرات قانونی این دوره است و البته همه آن را تشکیل می‌دهد. قانونگذار در این دوره نیل به سعادت بشر و رشد و تعالی خانواده را در نظر داشته و به جامعه‌ای خوشبخت اندیشیده است که جامعه بوسیله قوانین خوب اداره شود و برای شکل‌گیری عدالت خواستار قوانین بوده و آن را طرح کرده است. قانونگذار به خوبی می‌داند مفاسدی که جامعه را تباه می‌کند به طور کلی شکل نمی‌گیرد مگر آن هنگام که حقوق خانواده دارای نقصان باشد.

با این تفاسیر مسأله‌ای که مطرح می‌شود اینک؛ منظور از مصلحت در قوانین حمایت از خانواده چیست؟ مصلحت چگونه بر استناد احکام تأثیر می‌گذارد؟ و عنصر مصلحت در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در موارد مختلف مربوط به حقوق خانواده، چه جایگاهی دارد؟

۲- تعاریف و مفاهیم بنیادی

بیان مفاهیم اساسی به محقق کمک می‌کند تا به شناختی جامع از ابعاد مختلف تحقیق دست یابد و در بکارگیری عبارات و اصطلاحات به ویژه در حوزه تحقیقات حقوقی که کاربرد دقیق واژگان و عبارات نیازمند تسلط علمی بسیار است، دچار اشتباه نشود. با این رویکرد، جهت آشنایی با مفاهیم اصلی تحقیق، تعاریف آنها در این مبحث بیان خواهد شد.

۱-۲- تعریف مصلحت

مصلحت در لغت در مقابل مفسده و فساد قرار گرفته و به معنی خوبی و نیکی و هر چیزی که مانع از فساد و تباهی و خروج شیعی از حالت اعتدال و هیئت اصلیش شود، می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۵۱۷). مصلحت در اصطلاح فقهی چند معنی دارد که ضمن بیان این معانی، می‌توان به جایگاه مصلحت در فقه اسلامی دست یافت. این معانی عبارتند از؛ مصلحت به عنوان فلسفه تشریح احکام شرعی، مصلحت به عنوان قید متعلق احکام شرعی و مصلحت به عنوان دلیلی برای استنباط احکام شرعی که در بندهایی مجزا قابل تبیین می‌باشند.

۱-۱-۲- مصلحت به عنوان فلسفه تشریح احکام شرعی

احکام شرعی که از جانب شارع مقدس جعل می‌شوند، براساس مصالح و مفاسد نفس الامریه‌ای است که این مصالح و مفاسد جزء علل تشریح احکام الهی محسوب می‌شوند. با پذیرش حسن و قبح اشیاء می‌توان قائل شد که از جمله افعال خداوند که ناشی از اراده تشریحی ذات ربوبی است جعل و تأسیس احکام شرعی است که این فعل ربوبی نیز بر مبنای حسن و قبح ذاتی، تابع مصالح و مفاسد واقعی و نفس الامری می‌باشد. بحث پیرامون وجود مصلحت و ملاک در احکام که شارع بر طبق آن احکام شرعی را جعل نموده باشد بدون پذیرش حسن و قبح ذاتی مشکل است زیرا با قبول حسن و قبح شرعی آنطور که اشاعره بیان داشته‌اند دیگر لزومی ندارد که شارع به دلیل خاصی و به حسب مصلحت فرد یا اجتماع، حکمی جعل کند یا اگر حکمی را جعل کرد لزوماً مبتنی بر دلیل و مصلحتی باشد. معتزله و امامیه بر این باورند که احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد واقعی می‌باشند و آنچه شارع مقدس جائز دانسته حتماً در ورای آن مصلحتی نهفته ولو اینکه عقول بشری از درک آن عاجز باشد و آنچه از آن نهی کرده بخاطر مفسده‌ای بوده که در منهی‌عنه وجود داشته است. در زمینه تبعیت احکام شرعی از مصالح و مفاسد، برخی معتقدند که مصلحت در نفس الحکم وجود دارد (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۱۴۵) و برخی دیگر آن را در متعلق حکم می‌دانند (بحرانی، ۱۴۲۰، ۲۱۷).

۲-۱-۲- مصلحت به عنوان قید متعلق احکام شرعی

متعلق احکام شرعی که همان فعل‌المکلف می‌باشد در بسیاری موارد مقید به وجود مصلحت شده است در این موارد شارع مقدس عمل مکلف را در صورتی طلب می‌کند که همراه با مصلحت باشد و حکم شرعی به متعلقی تعلق گرفته که مصلحت نیز جزئی از آن می‌باشد. بعنوان نمونه جمله «یصح بیع من له الولایه مع المصلحه للمولی علیه» (حلی، ۱۳۶۳، ۴۲۳) مفید این معناست که بیع انجام شده (به عنوان متعلق حکم) توسط ولی کودکان، در صورتی صحیح است که مقید به مصلحت کودک باشد. مصلحت به این معنا هم در فقه امامیه و هم در فقه اهل سنت مورد توجه و مقبول واقع شده است. در موارد بیان چنین مصلحتی از تعابیری مثل صلاح، خیر، غبطه، حظ، نظر و فائده نیز استفاده شده است (رهبر، ۱۳۸۸، ۲۵).

۳-۱-۲- مصلحت بعنوان دلیل استنباط احکام شرعی

بسیاری از فقهاء اهل سنت معتقدند که مصلحت به عنوان یک دلیل برای استنباط حکم شرعی می‌باشد و در مواردی که نص یا قیاسی وجود نداشته باشد و شارع، مصلحت را رد یا تأیید نکرده باشد می‌توان با استناد به آن مصلحت، حکم شرعی را استنباط کرد. در این زمینه آمده است؛ مصالح مرسله مصالحی هستند که دلیل شرعی بر اعتبار یا عدم اعتبار آنها اقامه نشده است، هر واقعه‌ای که نص یا اجماع یا قیاس و استحسان در مورد آن وجود نداشته باشد و در آن مصلحتی برای مردم باشد مجتهد می‌تواند براساس آن مصلحت، حکم مناسب را صادر کند (زیدان، ۱۴۱۰، ۱۷۰).

در کتاب «المناهج الاصولیه» آمده است؛ هر آنچه که موجب تحقق مقصودی از مقاصد شارع شود مصلحت نامیده می‌شود و بر مبنای آن می‌توان حکم صادر نمود که به این کار استصلاح گویند یعنی تشریح حکم بر اساس وجود مصلحت در مواردی که نص و اجماع وجود ندارد (فتحی، ۱۴۰۵، ۶۱۸).

در میان اهل سنت به چنین مصلحتی مصلحت مرسله می‌گویند که طبق تعاریف بیان شده، مصالح مرسله در اصطلاح اهل سنت عبارتست از مصالحی که با استناد به آنها در مورد حوادث واقعه و پدیده‌های جدیدی که نص یا اجماع یا قیاس و استحسان در مورد آنها وجود ندارد استنباط حکم می‌شود. از این مصلحت تحت عناوین استصلاح، استدلال مرسل، مناسب غریب، مناسب مرسل و مناسب ملایم نیز نام می‌برند (غزالی، ۱۴۱۷، ۲۸۶).

۳- اقسام مصالح

مصالح از جهات متفاوتی قابل دسته‌بندی می‌باشد. از جمله این دسته‌بندی‌ها می‌توان به فقهی و اصولی اشاره نمود که در ادامه به توضیح بیشتر آن پرداخته می‌شود.

۳-۱- اقسام مصالح به لحاظ فقهی

علاوه بر مواردی که قبلاً ذکر شد، این تقسیم‌بندی شامل موارد زیر نیز می‌گردد:

الف) اقسام مصالح از حیث اعتبار شارع: مصلحت از حیث اعتبار و عدم اعتبار از سوی شارع به سه قسم تقسیم می‌شود:

- ۱- مصالح معتبر از سوی شارع مانند مصلحت حفظ دین، نفس، جان و مال
 - ۲- مصالح غیرمعتبر مثل مصلحت زیاده برای رباخوار در معاملات ربوی و مصلحت برابری ارث زن و مرد
 - ۳- مصالح مسکوت که از آن تحت عنوان مصالح مرسله یاد می‌گردد و معلوم نمی‌شود که از قسم اول و دلیل بر اعتبار آن است و یا از قسم دوم و دلیل بر اعتبار آن نیست. خود مصالح مرسله نیز به اقسام مختلفی تقسیم شده: ضروریات، حاجات و اخلاقیات (غزالی، ۱۴۱۷، ۴۱۴).
- ب) اقسام مصالح از حیث قوت و ضعف: مصلحت از حیث درجه اعتبار نیز به چند قسم تقسیم می‌شود؛ یقین‌آور، ظن‌آور، شک‌آور و وهم‌آور.

ج) اقسام مصالح از حیث ملائمت: از این حیث اگر مصلحت با اعتبار ملائم همراه نبود یعنی متکی به نص نبود آن را [مراسل غریب] گویند و از آن به (مصالح مرسله) یاد می‌شود.

د) اقسام مصالح از حیث عموم و شمول: مصلحت از حیث افراد تحت شمول، به فردی و اجتماعی تقسیم می‌شود و مصالح اجتماعی نیز اقسام مختلفی دارد.

ه) اقسام مصالح از حیث تغیر و ثبات: تمام احکام و قوانین الهی در جهت مصالح انسانی است. از آنجا که انسان دارای دو بعد مجرد و مادی است، دارای نیازهای ثابت و متغیر خواهد بود. نیازهای ثابت مرتبط به بعد مجرد او است. بعد مادی و جسمانی او چون دچار تغییر می‌شود، دارای نیازهای متغیر با احکام متغیر است که بر اساس مصالح متغیر وضع و تأمین می‌شود. مصلحت نیز از حیث ثبات و تغیر به مصلحت ثابت و متغیر تقسیم می‌شود.

ی) اقسام مصالح از حیث منبع (دلیل اعتبار): مصلحت به لحاظ دلیل اعتبار به سه قسم معتبره،

غیرمعتبره و مرسله تقسیم می‌شود (غزالی، ۱۴۱۷، ۴۱۵).

۳-۲- اقسام مصالح به لحاظ اصولی

اقسام مصلحت از این حیث موارد زیر را در بر می‌گیرد:

الف) مصلحت، فلسفه تشریح احکام الهی: مصلحت در معارف اسلامی به معانی مختلفی استعمال شده است. بر طبق یک معنی - که در دانش کلام درباره آن گفت و گو و نزاع است - مصلحت و مفسده، فلسفه جعل احکام شرعی به شمار می‌آیند و برپایه نظریه شیعیان و معتزلیان در پشت پرده هر واجب و حرام مصلحت و مفسده‌ای قرار دارد که به سبب آن وجوب و حرمت جعل شده است (خضری، ۱۳۸۵، ۷۲). در مقابل، اشعریان این نظر را نپذیرفته و حسن و قبح عقلی را انکار کرده‌اند و علت جعل احکام شرعی را مفسده و مصلحت ندانسته‌اند.

ب) مصلحت، دلیلی برای استنباط احکام شرعی: بسیاری از فقیهان اهل سنت مصلحت را دلیلی برای استنباط احکام شرعی دانسته‌اند. آنان معتقدند هرگاه نص اجماع و قیاسی در کار نباشد و شارع مصلحت را رد و الغا نکرده باشد، می‌توان به آن مصلحت استناد جست و حکم شرعی را از آن استنباط کرد (موسوی خمینی، ۱۳۷۲، ۳۶). فقیهان اهل سنت درباره حجیت مصالح مرسله اختلاف نظر فراوان دارند و کوشش دسته‌ای از آنان که در پی ایجاد وفاق و آشتی میان چهار مذهب اهل سنت برآمده‌اند، به جایی نرسیده و این اختلاف نظر هم چنان رخ می‌نماید. به طور خلاصه می‌توان گفت که مالکیان و شافعیان در برخی از اقوالشان و گروهی از حنبلیان آن را حجت دانسته‌اند (سرورالیهسردی، ۱۴۰۸، ۱۰۵).

ج) مصلحت، مبنا و ضابطه احکام حکومتی: نتیجه آنچه آورده‌ام آن شد که مصلحت، در اصطلاح به سه معنی به کار می‌رود: علت جعل احکام شرع و مصلحت دایمی آنها، مصلحت به عنوان حجت و دلیل شرعی، معنی مصلحت که در این مبحث در پی تبیین احکام و زوایای مختلف آن هستیم، به عنوان ضابطه و مبنای احکام حکومتی است.

همان گونه که بیان شد؛ مصلحت در لغت به معنی منفعت و مصالح به معنی منافع است. مصلحتی که مبنا و ضابطه احکام حکومتی است نیز به همین معنی است، صد البته با ملاحظه شرایط، حدود و قیدهایی در آن بدین سان که وقتی انسان در پی انجام کاری برمی‌آید نتیجه‌های آن را بررسی می‌کند و زیان‌ها، سودها و پیامدهای آن را می‌سنجد و هرگاه معتقد شد سودمندی‌های آن از ضررهای آن افزون‌تر است انجام آن را در ذهن ترجیح می‌دهد و بدان دست می‌یازد. از این روی، در واقع، علت غایی هر فعل، مصلحت آن است که نخست در ذهن آدمی پدید می‌آید و در مرحله بعد از فعل او نشأت می‌گیرد.

برخی فقها در این باره نوشته‌اند: «حرکت‌های متنوع و روزمره‌ای که از ما سر می‌زند هرگاه از اراده ما برخیزد «فعل» نامیده می‌شود. بدین ترتیب به سلامتی، می‌رضی و دیگر اعمال انسان که از سر اختیار و اراده نیست، نمی‌توان عنوان فعل را اطلاق کرد و بدیهی است که هنگامی انسان در پی انجام کاری برمی‌آید که به رجحان آن معتقد شود و آن را زمینه‌ساز کمال خود بداند؛ یعنی انجام آن را بهتر از ترکش و منفعت آن را بیشتر از زیانش بداند. نتیجه‌های سودمند هر کار است که انگیزه انجام آن را در ما پدید می‌آورد و این همان است که آن را هدف فاعل و مقصود انجام‌دهنده (علت غایی) می‌نامیم و پژوهش‌های فلسفی روشن ساخته است که هر فعل به معنی اثری که از فاعل صادر می‌شود - چه ارادی باشد و چه غیرارادی - نمی‌تواند بدون علت غایی باشد.

سودمندی‌ها و منافعی که از فعل به دست می‌آید مصلحت آن فعل نامیده می‌شود. بدین سان آن مصلحتی را که عقلا - از این روی که اهل زندگی اجتماعی‌اند - مصلحت بدانند، انسان را به انجام کارها وامی‌دارد و این مصلحت پیش از تصمیم‌گیری وجود علمی و ذهنی دارد نه وجود خارجی...» (کاظمی، ۱۴۰۶، ۶۸).

همانطور که در نظر فقها آمده است، مصلحت، همان نتیجه‌های سودمند هر فعل است که وجود ذهنی آن، در آدمی انگیزه انجام کار را می‌آفریند و او را به سمت و سوی تحقق آن می‌کشاند و این همان چیزی است که در عرف بدان منافع شخصی می‌گویند، لیکن همان طور که هر انسان نیازهایی دارد و برای دست یابی بدان‌ها می‌کوشد و فعلی که برآورنده آن نیازها باشد، فعل دارای مصلحت نامیده می‌شود. عموم مردم نیز نیازهایی دارند که رهبران جامعه باید طرح‌ها و برنامه‌هایی بریزند و آنها را به مرحله اجرا درآورند تا آن نیازها برآورده شود و هر اقدامی که برآورنده آن نیازها باشد و منافع آن برای جامعه بر زیان‌هایش بچربد، فعل دارای مصلحت است.

۴- سیر تحول قوانین حمایت از خانواده

۴-۱- قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۴۶

تا قبل از سال ۱۳۴۶ قوانین مربوط به نهاد خانواده به طور پراکنده در قوانین مختلف از جمله قانون مدنی آمده بود، اما لزوم توجه بیشتر به نهاد خانواده و ویژگی‌های خاص آن، این الزام را برای مقنن به وجود آورد که به طور اختصاصی به نهاد خانواده پرداخته و با پیش‌بینی راهکارهای مناسب، تا حد امکان از

گسسته شدن این نهاد جلوگیری نموده و معضلات و مشکلات احتمالی را با کمترین هزینه حل و فصل نماید. اولین قانونی که به طور خاص مربوط به نهاد خانواده می‌شد در سال ۱۳۴۶ با عنوان قانون حمایت خانواده به تصویب رسید که در آن نوآوری‌های خاصی گنجانده شده بود. مهمترین نوآوری‌های قانون ۱۳۴۶ عبارت بودند از:

۱- محدود کردن اختیار مرد در طلاق: تا قبل از تصویب قانون حمایت از خانواده، بر اساس ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، مرد می‌توانست زن خود را بدون رعایت تشریفات خاصی طلاق دهد و در واقع اختیار مرد در این خصوص مطلق بود، لیکن ماده ۸ قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶، اجرای صیغه طلاق را موکول به رسیدگی دادگاه و صدور گواهی عدم امکان سازش نمود، ضمن آن که در تقاضانامه صدور گواهی عدم امکان سازش باید علل تقاضا به طور موجه قید گردد. بنابراین، اختیار مطلق مرد در خصوص طلاق با توجه به ماده ۸ قانون فوق‌الذکر محدود گردید.

۲- گسترش موارد درخواست طلاق توسط زن: تا سال ۱۳۴۶ موجبات طلاق توسط زن محدود به موارد مندرج در مواد ۱۰۲۹، ۱۱۱۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی بود که سه ماده اولی بدون هیچ تغییری، در حال حاضر نیز ساری و جاری می‌باشند ولی ماده ۱۱۳۰ دچار تغییر و تحول زیادی شده است، در زمان تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶؛ ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به موارد خاصی اشاره کرده بود که تنها در آن موارد زن می‌توانست درخواست طلاق نماید. به همین دلیل، تصویب ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده موارد درخواست طلاق توسط زن را گسترش می‌داد.

۳- محدود کردن اختیار مرد برای ازدواج مجدد: ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ اختیار مرد برای ازدواج مجدد را موکول به اخذ اجازه از دادگاه نمود، دادگاه نیز در صورتی می‌توانست اجازه ازدواج مجدد صادر نماید که توانایی مالی مرد و قدرت او را به اجرای عدالت احراز کرده باشد. برای مردی که بدون اخذ اجازه از دادگاه ازدواج می‌نمود نیز مجازات تعیین شده بود. علاوه بر این به موجب بند ۳ ماده ۱۱ قانون مزبور؛ هرگاه زوج بدون رضایت زوجه همسر دیگری اختیار کند، زن می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش و به تبع آن طلاق نماید. بنابراین، در صورتی که مردی بدون اجازه زن اول خود ازدواج نماید، زن اول می‌تواند از دادگاه درخواست طلاق نماید.

۴- محدود کردن اختیار مرد در منع اشتغال زن: بر اساس ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، شوهر می‌تواند زن خود را از اشتغال به اموری که با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن منافات داشته منع کند. در واقع،

شوهر به تشخیص خود می‌توانست زن را از اشتغال منع نماید، لیکن در ماده ۱۵ قانون حمایت از خانواده ۱۳۴۶ قید با تأیید دادگاه به ابتدای ماده افزوده شده بود و از این جهت، اختیار مرد محدود گردید. قانون مورد بررسی دوام چندانی نیاورد و قانون دیگری تحت همین عنوان در سال ۱۳۵۳ جایگزین آن گردید (زمانی درمزاری، ۱۳۹۲، ۱۰).

۲-۴- قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳

هر قانونی در زمان تصویب خود تحت تأثیر نیازها و شرایط دوره تصویب خود قرار دارد، قانون حمایت خانواده نیز بر مبنای اقتضائات خاص دوران خود به تصویب رسید. با توجه به زمان و شرایط تصویب قانون حمایت خانواده در سال ۵۳ و اقتضائاتی که خانواده و جامعه ایرانی در زمینه اصلاحات و تغییراتی که باید در قوانین مربوط به خانواده صورت بگیرد داشت، در آن سال با توجه به اینکه بحث تغییر قانون مدنی به عنوان قانون مادر به ویژه در حوزه خانواده پروسه طولانی مدت است و با موانع متعددی در جامعه ما رو برو بوده، قانون حمایت خانواده تصویب شد تا کاستی‌ها و خلأهایی را که به ویژه در خصوص حقوق زنان در خانواده وجود داشت جبران کند و تعادل میان حقوق زن و مرد در خانواده ایجاد کند. در قانون مدنی که تصویب آن به حدود هفتاد سال پیش برمی‌گردد برداشتی که از مواد مربوط به حوزه خانواده بوده است این است که مرد تقریباً مطلق العنان است و اختیارات بی حد و حصر به او داده شد. بنابراین قانون حمایت خانواده ۵۳ به تصویب رسید تا تعادلی میان حقوق زن و مرد ایجاد کند. این قانون با توجه به شرایط و اقتضائاتی که آن زمان وجود داشت، قانون کاملی بود و می‌توانست نیازهای آن زمان خانواده و جامعه ایرانی را برطرف کند.

۳-۴- قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱

تصویب قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ بر مبنای چهارچوب و اصول مقرر در قانون حمایت از خانواده مصوب سال ۱۳۵۳ و ارکان عمده مندرج در آن تدوین شده است.

لیکن ابتکارات و نوآوری‌های قانون جدید را می‌توان به اختصار در چند مورد زیر دسته‌بندی نمود:

۱- تعدد قضا، ۲- الزام به حضور قاضی مشاور زن یا مرد، ۳- ایجاد صلاحیت‌های جدید و به روز موضوعی نسبت به دادگاه خانواده، ۴- عدم الزام به رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و استفاده از

شیوه‌های جدید و به روز در ابلاغ، ۵- ایجاد مراکز مشاوره، ۷- تعیین سقف برای مهریه از حیث اعمال بازداشت زوج / محکوم علیه، ۸- الزام به ثبت ازدواج موقت، ۹- تمایز بین طلاق توافقی و توافقی، ۱۰- تغییر اساسی در وضعیت داوران منتخب زوجین، ۱۱- ممنوعیت حضور کودکان در دادگاه خانواده، ۱۲- تخصیص صلاحیت رسیدگی به وضعیت نوجوانان در دادگاه خانواده، ۱۳- تعیین مجازات‌های کیفری مقرر در روابط زناشویی، ۱۴- تعیین حقوق وظیفه و مستمری، ۱۵- لزوم طرح درخواست‌ها/ دعاوی خانوادگی با تقدیم دادخواست در دادگاه خانواده (توانچه، ۱۳۹۲، ۱۱۲).

قانون مذکور در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی و پس از آن در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۹ به تصویب شورای نگهبان رسید. با توجه به انقضای مهلت مقرر در ماده ۱ قانون مدنی (پنج روز برای امضای قانون توسط رئیس جمهور) و در اجرای مفاد تبصره ۱ قانون مدنی، دستور انتشار این قانون در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۰ توسط رئیس مجلس شورای اسلامی به روزنامه رسمی ابلاغ شد. با توجه به اینکه مطابق قانون مدنی قوانین پس از ۱۵ روز از زمان انتشار لازم الاجرا می‌باشند، این قانون از تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۳۹۲ لازم‌الاجرا شد. از این رو برخی این قانون را قانون حمایت از خانواده ۱۳۹۲ تغییر می‌کنند.

۵- عنصر مصلحت در مراکز مشاوره خانوادگی

از جمله حیطه‌هایی که استفاده از مشاوره مفید و مثمر ثمر می‌باشد، مسائل خانودگی است که یکی از موارد اجرایی در این خصوص، مراکز مشاوره خانودگی می‌باشد.

۵-۱- مصلحت در ضرورت و اهداف مراکز مشاوره خانودگی

به موجب ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده؛ «به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانودگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، قوه قضائیه موظف است ظرف سه سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون مراکز مشاوره خانواده را در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند.» با توجه به شیوه‌های زندگی نوین و پیچیده‌تر شدن شرایط زندگی افراد با استرس‌ها و فشارهای حاصل از این زندگی مواجه هستند. مشاوره خانواده فرآیندی است که راه کارهای مناسب برای سازگاری افراد با این شرایط و مدیریت استرس فراهم می‌سازد. علاوه بر این، شرایط پیچیده زندگی نیاز افراد به

دریافت اطلاعات مناسب در زمینه‌های مختلف را موجب می‌شود. از این رو مشاوره خانواده چنین وظیفه‌ای را بر عهده می‌گیرد، به ارائه راهنمایی، اطلاع‌رسانی و حل مسائل خانوادگی مبادرت می‌ورزد.

۵-۲- مصلحت در وظایف و صلاحیت مراکز مشاوره خانوادگی

وفق ماده ۳۲ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۳؛ مرکز امور مشاوران علاوه بر وظایف و اختیارات فعلی، وظایف و اختیاراتی را جهت ساماندهی مشاوران خانواده بر عهده دارند. به طور خلاصه می‌توان اذعان نمود؛ پیش‌بینی مراکز مشاوره و نیز ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین در جهت ایجاد صلح و سازش با در نظر گرفتن مشکلات امروزی و اختلافاتی که با مشاوره و راهنمایی حل و فصل می‌گردد، حکایت از رعایت مصلحت و سازگاری قانون حمایت از خانواده در این زمینه دارد. علاوه بر این بر اساس تبصره ماده ۱۹ قانون حمایت از خانواده، دادگاه نیز با ملاحظه نظر کارشناسی مراکز مشاوره نسبت به تشخیص سازش یا عدم سازش اقدام می‌کند. استفاده از تخصص مشاوران در این زمینه نیز از نکات مثبت در جهت حفظ مصالح خانواده است. اما اینکه در عمل چه اندازه این مراکز موفق بوده‌اند؟ موضوعی است که باد مورد تعمق و ملاحظه قرار گیرد. اینکه زوجین به مراکز مشاوره مراجعه نمایند، با هرکدام مدت زمانی صحبت شود و سپس مشاور اعلام کند؛ با زوجین مشاوره شد و مشاوره و راهنمایی‌ها تأثیری در توافق طلاقشان ندارد، این روش مشکلی را درمان نمی‌کند، بلکه اتلاف وقت زوجین، افزایش فشارهای عصبی و نیز هزینه‌های مالی را در پی خواهد داشت. سیستم قضایی به دنبال آن است که مخاطرات افزایشات طلاق‌ها را به ویژه در بُعد طلاق توافقی کنترل کند و برای این امر یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه جدی لازم است. این مسأله با مراکز مشاوره‌ای که در حال حاضر موجود است، حل نخواهد شد. مراکز مشاوره باید به قدری قابلیت داشته باشند که حداقل نود درصد از موارد طلاق توافقی که ارجاع داده می‌شود، را به مصالحه واقعی برسانند. این امر اگر اتفاق افتد، یعنی این مراکز موفق بوده و در غیر این صورت، صرفاً تشکیلات اضافه‌ای ایجاد شده که به نوعی زمان و هزینه اضافی و نیز نتایج نامطلوبی در پی خواهد داشت.

۶- عنصر مصلحت و سازگاری با محیط در طلاق مطابق قانون حمایت از خانواده

در قانون جدید حمایت خانواده مقررات مربوط به طلاق در مواردی به موازات سازگاری با محیط و حفظ مصالح خانواده، قابل توجه است.

از جمله مواردی که قانون مذکور سازش در دعوی خانوادگی را مورد تأکید قرار داده، در بخش مشاوره خانوادگی است. بدون شک بسیاری از مشکلات اخلاقی جامعه امروز ما ریشه در اختلافات خانوادگی دارد.

خانواده می‌تواند از همان ابتدای کودکی روحیه گذشت و بخشش را به فرزند خود بیاموزد. اگر پدر و مادر گذشت و صلح و سازش را به جای انتقام و تنبیه انتخاب کنند و با همنوعان خود و کسانی که به نوعی باعث آزار و اذیت آنان شده‌اند با مدارا و بخشش رفتار کنند کودک نیز گذشت و سازش را می‌آموزد و به جای این که در آینده به دنبال محکمه و دادگاه باشد سعی در احقاق حق خود از راه ساده‌تر، بهتر و خدایسندانه‌تر دارد. می‌توان پیش‌بینی صلح و سازش در قانون حمایت از خانواده در رسیدن به اهداف مذکور و جهت استمرار خانواده را از جمله موارد رعایت مصلحت در این قانون دانست.

اما نقش مراکز مشاوره در طلاق در جهت حفظ و توسعه مصلحت خانواده، قابل انتقاد است. زوجینی که بعد از توافق به جلسات مشاوره می‌آیند بیشتر به خاطر نظر دادگاه این کار را انجام می‌دهند. معمولاً میزان موفقیت این مراکز بسیار پایین است. چون تصمیم‌گیری شده و بیشتر برای طی کردن پروسه قانونی به مراکز مشاوره می‌روند. این اقدامات و تشریفات همان گونه که بیان گردید، در عمل موفق نبوده، به طوری که به جز اتلاف وقت زوجین و هزینه‌های اضافی، نتیجه دیگری در پی ندارد و به نوعی موافق مصلحت زوجین و خانواده نیست.

چنانچه مراکز مشاوره بتوانند با علت طلاق توافقی مقابله کنند، می‌توانند در کاهش طلاق‌های توافقی، موفق عمل کنند. همچنین اگر بتوانند برخوردی با مراجعین داشته باشند، ریشه‌یابی کنند، علت را بیابند و با آن مبارزه کنند، شاید بتوانند جلوی یک‌سری از این طلاق‌ها را بگیرند و آن را محدود کنند. به عنوان مثال اگر زوجین صرفاً به دلیل یک سوءرفتار تصمیم به طلاق توافقی گرفته باشند، اگر مراکز مشاوره بتوانند این مسأله را حل کنند و برای طرف مقابل این اطمینان حاصل شود که این سوءرفتار دیگر وجود نخواهد داشت، می‌توانند در تصمیم برای طلاق هم مؤثر باشند. بنابراین صرف مشاوره با زوجین، نمی‌تواند در منصرف‌نمودن آنها از طلاق توافقی مؤثر باشد و باید به فکر ریشه‌یابی طلاق‌ها بود.

از جمله مواردی که در این زمینه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، مشاوره قبل از ازدواج است. مشاوره قبل از ازدواج به یک فرآیند تخصصی تبدیل شده و در همه جای دنیا مرسوم است. اهمیت این نوع مشاوره در سازگار نمودن با محیط امروزی، زمانی مشخص می‌شود که به این نکته توجه داشته باشیم؛ انسان‌ها از یکدیگر شناخت کافی ندارند، بنابراین به منظور دستیابی به این شناخت برای ازدواج به کمک مشاور نیاز دارند.

۷- عنصر مصلحت در حضانت و نفقه اطفال

نظر قانون‌گذار در قانون مصوب ۱۳۹۱، پیرامون کسانی که می‌توانند عهده‌دار حضانت شوند، با نظر قانونگذار سال ۱۳۵۳ یکسان است. قانونگذار در قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳، با تصویب ماده ۱۲، به شمارش اشخاصی که می‌توانند عهده‌دار حضانت باشند، پرداخته و قانون‌گذار نیز در ماده ۷ از قانون حمایت خانواده، از این روش استفاده کرده است

الزامی بودن رعایت مصلحت کودک تمام تلاش قانون‌گذار در بحث حضانت، در قانون حمایت خانواده این است که مصلحت کودک بیش از پیش رعایت شده و بر همه مقررات اولویت داشته باشد. در هر یک از مواردی که در خصوص حضانت طفل به موازات رعایت مصلحت وی بیان شد، رعایت مصلحت و سازگاری قانون حمایت خانواده با محیط در جهت حمایت از کودک به عنوان قشری آسیب‌پذیر، قابل ملاحظه است.

از طرفی دیگر، قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ اگرچه نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی را مشمول مقررات این قانون قرار داده است اما در خصوص وضعیت نفقه کودکان متولد از زنا یا از طرقتی غیر نکاح، پیش‌بینی ننموده است که این موضوع قابل تأمل است.

با توجه به وابستگی فطری و عاطفی و رابطه حقوقی بین کودک نامشروع و والدین طبیعی وی برای رفع هرگونه تردید و ابهام در عمل قضایی و به منظور حمایت از این گونه اطفال که در ایجاد خود تقصیری و نقشی نداشته‌اند و در نهایت به منظور سازگار نمودن قانون مورد بحث، پیشنهاد می‌گردد در زمینه حقوق و تکالیف متقابل والدین و طفل نامشروع از قبیل حضانت، نفقه، تربیت، تعلیم علوم و فنون، خصوصاً در زمینه ولایت قهری پدر و جدپدری و وصی منصوب از جانب آنها و نظایر آن، مقررات دقیقی به وسیله قوه مقننه وضع گردد گرچه رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷-۷۶/۴/۳ حدود یکی این حقوق و تکالیف را ترسیم

کرده است ولی به نظر می‌رسد حکم کلی این رأی درین قضات و حقوقدانان تردیدهایی ایجاد خواهد کرد که در عمل باعث ورود لطمه به حقوق مادی و معنوی اطفال نامشروع خواهد شد.

علاوه بر جنبه‌های معنوی و عاطفی و اقدامات حفاظتی و تربیتی، در زمینه امور مالی و ضوابط وراثت با توجه به ممنوعیت صریح قانونی و شرعی ضرورت دارد.

به منظور بهره مند شدن فرزند نامشروع از عوامل و ما ترک والدین و حتی سایر اقارب نسبی راه حل مناسبی پیش‌بینی شود تا چنین فرزندی بتواند سهمی معادل سهم الارث یک فرزند مشروع به عنوان ضرر و زیان ناشی از تخطی از ضوابط قانونی و شرعی و از باب تسبیب از ورثه مطالبه و از ما ترک متوفی حقوق خود را استیفا کند به نظر می‌رسد که اگر مقرراتی در این راستا وضع گردد خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه یا شرع نخواهد بود.

علاوه بر موارد فوق، با بهره‌گیری از حقوق تطبیقی در این گونه موارد قانونگذار می‌تواند با وضع ماده یا موادی مقرر کند: «چنانچه پدر یا مادر طبیعی یک فرزند نامشروع به موجب وصیت اختیاری اموالی معادل سهم الارث فرزند مشروع برای بعد از فوت خود به چنین فرزندی تملیک نکند»، سکوت و عدم اقدام به وصیت به شرح عنوان شده به منزله وصیت فرضی یا قانونی متوفی تلقی گردد و به چنین فرزندی از ما ترک متوفی یعنی پدر یا مادر طبیعی معادل سهم الارث فرزند مشروع تعلق گیرد.

۸- نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مطالب مورد بررسی، می‌توان موارد زیر را به عنوان نتیجه بیان نمود:

۱- اگرچه مطابق ماده ۱۲ قانون حمایت خانواده؛ در دعاوی و امور خانوادگی مربوط به زوجین، زوجه می‌تواند در دادگاه محل اقامت خوانده یا محل سکونت خود اقامه دعوا کند و این امر با یکی از اصول مسلم دادرسی و اینکه دعوی حقوقی می‌بایست در دادگاه محل اقامت خوانده اقامه گردد، مغایرت دارد، ولی در مواردی که زوج منزل را ترک نموده و یا به عمد نشانی محل سکونت خود را جهت ایجاد زحمت زوجه به نشانی شهر دیگری به دادگاه اعلام نماید و الزام زوجه به طرح دعوا در محلی جز منزل مشترک موجب مشقت مشارالیه باشد، پیش‌بینی مذکور در جهت رعایت مصلحت و حمایت از زن می‌باشد.

۲- با تصویب قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ و قائل شدن به استقلال دادگاه خانواده از دادگاه عمومی در ماده یک، بدین شکل که قوه قضائیه مکلف به تشکیل دادگاه خانواده شد، نه اختصاص تعدادی

از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به دعاوی خانوادگی، می‌توان گفت صلاحیت ذاتی دادگاه خانواده در جهت حفظ عنصر مصلحت و سازگاری بامحیط خانواده، منحصر به موارد مندرج در ماده ۴ این قانون است که البته برخی موارد مذکور قابل نقد و ایراد است.

۳- می‌توان اذعان نمود که برخی از امور مزبور از جمله برخی امور راجع به غایب مفقود الاثر، موضوعاً خارج از مسائل خانوادگی است و شایسته بود مقنن به این امر توجه می‌نمود که در دادگاه‌های خانواده به حدی تراکم پرونده بالا است که درگیر کردن دادگاه خانواده با چنین اموری موجب رکود بیشتر و شلوغی محاکم خانواده خواهد شد و این موضوع، با مقتضیات دادگاه‌های خانواده سازگار نیست.

۴- پیش‌بینی اتخاذ تصمیم فوری از جمله حضانت، نگهداری و ملاقات طفل و نفقه زن و محجور، جهت حمایت از طفل، زوجه و محجور که تا حدودی در این موارد آسیب‌پذیرتر هستند، می‌تواند از نکات متمایز و مثبت قانون حمایت از خانواده باشد که در این زمینه رعایت مصلحت را منعکس نموده است.

۵- با توجه به شیوه‌های زندگی نوین و پیچیده‌تر شدن شرایط زندگی افراد با استرس‌ها و فشارهای حاصل از این زندگی مواجه هستند.

مشاوره خانواده فرآیندی است که راه کارهای مناسب برای سازگاری افراد با این شرایط و مدیریت استرس فراهم می‌سازد. علاوه بر این چنین شرایط پیچیده زندگی نیاز افراد به دریافت اطلاعات مناسب در زمینه‌های مختلف را موجب می‌شود.

از این رو مشاوره خانواده چنین وظیفه‌ای را بر عهده می‌گیرد، به ارائه راهنمایی، اطلاع‌رسانی و حل مسائل خانوادگی مبادرت می‌ورزد.

۶- پیش‌بینی مراکز مشاوره و نیز ارائه خدمات مشاوره‌ای به زوجین اگرچه در جهت ایجاد صلح و سازش با در نظر گرفتن مشکلات امروزی و اختلافاتی که با مشاوره و راهنمایی حل و فصل می‌گردد، حکایت از رعایت مصلحت در قانون حمایت از خانواده در این زمینه دارد، ولی این مراکز در عمل موفق نبوده‌اند. اینکه زوجین به مراکز مشاوره مراجعه نمایند، با هر کدام مدت زمانی صحبت شود و مشاوره و راهنمایی‌ها تأثیری در توافق طلاقشان نداشته باشد، این روش مشکلی را درمان نمی‌کند، بلکه اتلاف وقت زوجین، افزایش فشارهای عصبی و نیز هزینه‌های مالی را در پی خواهد داشت.

صرف مشاوره با زوجین، نمی‌تواند در منصرف نمودن آنها از طلاق توافقی مؤثر باشد و باید به فکر ریشه‌یابی طلاق‌ها بود، لذا پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره با علت طلاق توافقی مقابله کنند، تا بتوانند در

کاهش طلاق‌های توافقی، موفق عمل کنند، به عبارتی دیگر، اگر بتوانند دلایل طلاق توافقی را ریشه‌یابی کنند، علت را بیابند و با آن مبارزه کنند، شاید بتوانند جلوی یک‌سری از این طلاق‌ها را بگیرند و آن را محدود کنند. از جمله مواردی که در این زمینه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، مشاوره قبل از ازدواج است. مشاوره قبل از ازدواج به یک فرآیند تخصصی تبدیل شده و در همه جای دنیا مرسوم است. اهمیت این نوع مشاوره در سازگار نمودن با محیط امروزی، زمانی مشخص می‌شود که به این نکته توجه داشته باشیم؛ انسان‌ها از یکدیگر شناخت کافی ندارند، بنابراین به منظور دستیابی به این شناخت برای ازدواج به کمک مشاور نیاز دارند.

فهرست منابع

- ۱- ابن منظور، محمدبن مكرم، (۱۴۰۵)، لسان العرب، جلد ۲، ادب الحوزه، قم.
- ۲- اردبیلی، مولی احمد، (۱۴۰۳)، مجمع الفائده و البرهان، جلد ۵، جامعه المدرسین، قم.
- ۳- بحرانی، یوسف، (۱۴۲۰)، الحدائق الناضره، جامعه المدرسین، قم.
- ۴- توانچه، میترا، (۱۳۹۲)، نقد و بررسی قانون حمایت خانواده مصوب سال ۹۱. پیک حق، ۲، ۱۰۲-۱۱۲.
- ۵- حلی، حسن ابن یوسف، (۱۳۹۹)، کشف المراد، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
- ۶- حلی، محمدبن حسن فخرالمحققین، (۱۳۶۳)، ایضاح الفوائد، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
- ۷- خضری، بک محمد، (۱۳۸۵)، اصول الفقه، مکتبه التجاریه الکبری، مصر.
- ۸- رهبر، مهدی، (۱۳۸۸)، مقایسه جایگاه مصلحت در فقه امامیه و اهل سنت، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۷، ۲۰-۳۲.
- ۹- زمانی درمزاری، محمدرضا، (۱۳۷۷)، دانستی‌های حقوقی (حقوق خانواده)، جلد ۲، واحد مطالعات حقوق خانواده و حقوق زنان مؤسسه حقوقی و بین‌المللی، تهران.
- ۱۰- زیدان، عبدالکریم، (۱۴۱۰)، المدخل لدراسة الشریعة الاسلامیه، مؤسسه الرساله، قم، چاپ یازدهم.
- ۱۱- سرورالبهسردی، السید محمد، (۱۴۰۸)، مصباح الاصول، تقریراً لباحث السیدابوالقاسم الخویی، مکتبه الداودی، قم.
- ۱۲- غزالی، ابی حامد، (۱۴۱۷)، المستصفی من علم الاصول، جلد ۱، مؤسسه رسالت، بیروت.
- ۱۳- فتحی، الدینی، (۱۴۰۵)، المناهج الاصولیه فی الاجتهاد بالرأی، الشرکه المتحدّه للتوزیع، دمشق.
- ۱۴- کاظمی، محمدعلی، (۱۴۰۶)، فوائد الاصول، تقریراً لباحث میرزامحمد حسین النائینی، جامعه المدرسین، قم.

۱۵- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۲)، انوارالهدایه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار الامام الخمينی (ره)، قم.

